



مرگ عیسی

مطالعه: مرقس، باب ۱۴ و ۱۵

مشکل گناه

گناه بدترین مشکل انسان ها است و ریشه اصلی تمام درگیری های دنیاست. گناه انسان ها را از خدا جدا کرده و به مرگ حتمی سوق می دهد. برای انسان ها غیر ممکن است که با تلاش خودشان بر گناه پیروز شوند. حتی درستکارترین انسان نیز هرگز نمی تواند مشکل گناه را حل کند هرچقدر هم که شخصی خوب باشد باز هم از جلال خدا قاصر است (رومیان، باب ۳، آیه ۲۳) کتاب مقدس پاسخ خدا را در مورد گناه بشر بیان کرده است. خدا یگانه فرزند خود، عیسی مسیح را قربانی گناهان بشر کرد زیرا این تنها راهی بود که انسان می توانست بر گناه غلبه کند. عیسی مسیح از پدر در این امر در جهت قربانی شدن برای گناه اطاعت کرد. یک فداکاری به قیمت تمام زندگی، او به تمام خواسته خود پشت پا زد تا فقط خواسته پدر را به جا آورد. مردن به روی صلیب آخرین اطاعت پر جلالی بود که از زندگی فداکارانه مسیح دیدیم. چون مسیح تا آخر بی گناه ماند توانست بر گناه پیروز شود. او همچنین این فرصت را برای شاگردان واقعی اش فراهم کرد تا گناهانشان بخشیده شود و برای همیشه بر مرگ پیروز شوند.

رنج های مسیح

در کتاب مقدس شاهد نا عدالتی های انجام شده در حق مسیح، به سخره گرفتن او، شلاق زدن او و توبیه کردنش بودیم. مسیح حتی زجر تماشای پریشانی مادر هنگام عذاب کشیدن او را نیز دید. او عمیقاً اندوهگین بود. وقتی فهمید که یهودیان، مردمان خودش، او را نپذیرفتند و می دانست که آنها مجازات می شوند. در بعضی از متون عهد عتیق در مورد رنج های مسیح می خوانیم. در مزامیر، باب ۲۲ حال مسیح را به هنگام به صلیب کشیدنش حس می کنیم. علاوه بر درد زیاد او شرم صلیب را نیز متحمل شد.

مزامیر، باب ۲۲، آیات ۶ تا ۸

اما من کرم هستم و انسان نی، عار آدمیان هستم و حقیر شمرده قوم. هر که مرا ببیند به من استهزا می کند. لب های خود را باز میکنند و سر های خود را می جنبانند. بر خداوند توکل کن، پس او را خلاصی بدهد. او را برهاند چون که به وی رغبت می دارد.

مزامیر، باب ۲۲، آیات ۱۵ و ۱۶

قوت من مثل سفال خشک شده و زبانم به کامم چسبیده و مرا به به خاک موت نهاده ای زیرا سگان دور مرا گرفته اند جماعت اشراک مرا احاطه کرده، دست ها و پایهای مرا سفته اند.

وقایعی که ختم به صلیب کشیدن مسیح شد

فریسیان و صدوقیان رهبران مذهبی یهودیان در زمان مسیح بودند. این دو گروه اکثراً با هم اختلاف نظر داشتند. اما چون هر دو از یهودیان متنفذ بودند با هم هماهنگ شده تا مسیح را نابود سازند. آنها به محبوبیت، قدرت و اقتدار مسیح حسادت می کردند. از اینکه تعداد زیادی از مردم به او گوش دهند و تحت تاثیر معجزات او قرار گیرند متنفذ بودند. واضح بود که هیچ انسان عادی توانایی انجام این معجزات را نداشت و این ها نشانه هایی بودند که ثابت می کرد مسیح پسر خداست. اما سران مذهبی نمی خواستند واقعیت را ببینند و حسادت و نفرت چشمانشان را کور کرده بود. مسیح برای عید پسح در اورشلیم بود. سران مذهبی می خواستند بدون سر و صدا او را دستگیر کنند. قبل از اینکه مردم متوجه شوند و اعتراض کنند. این فرصت زمانی به آنها دست داد که یهودا اسخریوطی یکی از دوازده شاگرد پیشنهاد خیانت به مسیح را به آنان داد. یهودا آنان را به سمت باغ جتسمانی کشاند جایی که مسیح و شاگردانش در آنجا بودند (یوحنا، باب ۱۸، آیات ۱ تا ۳)

مسیح دستگیر شد و نزد سران مذهبی آورده شد. آنها نتوانستند دلیل واقعی برای صادر کردن حکم مرگ وی پیدا کنند. پیدا کردن گناه در زندگی یک انسان کاملاً بی گناه غیر ممکن است. در نهایت کاهن اعظم گفت: "تو را به خدای حی قسم می گویم ما را بگو که تو مسیح پسر خدا هستی یا نه؟" (متی، باب ۲۶، آیه ۶۳)

وقتی عیسی مسیح تایید کرد که پسر خداست او را به کفر گویی متهم کردند بر طبق شریعت موسی مجازات کفر گویی مرگ بود. البته این یک اتهام اشتباه بود و مسیح کفر نمی گفت بلکه حقیقت را نشان داد. در آن زمان رومیان بر اسرائیل حکومت می کردند. سران یهود مسیح را نزد والی پنتیوس پیلاطس بردند و خواستند که او مصلوب شود. این روشی بود که رومیان مجرمین را مجازات می کردند. اما پیلاطس هیچ جرمی برای مسیح نیافت. وقتی فهمید که مسیح از شهر هیروودیس آمده است او را نزد هیروودیس برگرداند. بین هیروودیس و پیلاطس بار دیگر روابط دوسانه برقرار شد: "در همان روز پیلاطس و هیروودیس با یکدیگر مصالحه کردند زیرا قبل از آن در میانشان عداوتی بود" (لوقا، باب ۲۳، آیه ۱۲)

پیلاطس می دانست که مسیح بی گناه است. او همیشه به یهودیان می گفت که نه خود و نه هیروودیس هیچ جرمی برای مسیح نیافتند. (لوقا، باب ۲۳، آیات ۱۴ و ۱۵ و ۲۲) پیلاطس می دانست که یهودیان به خاطر حسادتشان خواستار مرگ مسیح بودند، به پیلاطس گفتند چون مسیح ادعای پادشاهی دارد پس تهدید بزرگی برای امپراطوری رم خواهد بود پس آزاد کردن او بی وفایی به امپراطوری است پیلاطس علی رقم میل باطنی اش تسلیم شد و اجازه داد قاتلی به نام برابا آزاد شود و پادشاه زندگی را به مرگ کشید. عظیم ترین نا عدالتی. پیلاطس مسیح را به دست سربازان رومی داد تا او را به صلیب بکشند. دردناکترین و زجر آورترین مرگ تاریخ. بنا بر این هم رومیان هم یهودیان در مرگ مسیح دخالت داشتند و نقشه خدا از ازل نجات انسان ها توسط فرزندش بود و می دانست که این شیران اینگونه برخورد می کنند بعد از پطرس رسول به یهودیان گفت: "این شخص چون بر حسب اراده مستحکم و پیشدانی خدا تسلیم شد، شما به دست گناه کاران بر صلیب کشیده و کشتید." (اعمال، باب ۲، آیه ۲۳)





هیچ راه دیگری نبود

مسیح می دانست که قصد پدر از آوردن او در این دنیا، آوردن رستگاری بود. در طول زندگی اش کاملاً مطیع پدر بود حتی در زجرها و مرگش به صلیب. مسیح گفت که می خواست: "خواهش فرستنده خود را به عمل آورد و کار او را انجام دهد" (یوحنا، باب ۴، آیه ۳۴) در باغ جتسیمانی وقتی مسیح با اطاعتش امتحان شد، ۳ بار در درگاه پدر دعا کرد "ای پدر اگر ممکن است این پیاله از من بگذرد، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو" (متی، باب ۲۶، آیه ۳۹ تا ۴۴) اگر ممکن بود خدا پسرش را از این درد رهایی می داد اما تنها راه همین بود. وقتی که مسیح بر روی صلیب به مرگ نزدیک می شد گفت "تمام شد" (یوحنا، باب ۱۹، آیه ۳۰) کاری که خدا به او محول کرده بود را به انجام رسانید. یوحنا، باب ۱۷، آیه ۴

چرا مسیح مرد

آدم گناه کرد پس مرد. مرگ مجازات گناه است و این قانون خداست. دقیقاً همانطور که بعد از کار مزد می گیریم، پس بعد از گناه نیز مرگ را دریافت می کنیم. ما همه گناه کاریم پس همه لایق مرگ هستیم.

مسیح بر روی صلیب مرد تا گناهان دنیا از او بین ببرد. این اراده پدر بود و مسیح تا مرگ از ان اطاعت کرد. اگرچه فنا پذیری اش نیز باعث مرگ او شد. اگر مسیح بر روی صلیب نمی مرد چندی بعد به نوعی دیگر می مرد. مسیح همچنان همانند ما وسوسه شد و حتی در بعضی موارد بسیار بیشتر از ما، اما هرگز گناه نکرد. در عبرانیان باب ۴ آیه ۱۵ می خوانیم که "مسیح آزموده شد در هر چیز به مثال ما بدون گناه"

اگر چه مسیح ذات فانی آدم را داشت اما لایق مرگ نبود چون کاملاً بی گناه بود. بنابراین خدا او را از مرگ بر خیزانید بدون شکستن قانون خود "مزد گناه مرگ است" مسیح مرد تا رستگاری خود را بدست آورد و همین طور این فرصت را برای ما نیز مهیا کند.

| | |
|---|---|
| <p>ما همه میمیریم:</p> <p>همه ذات فانی آدم را دارا هستیم و همه گناهکاریم.</p> | <p>مسیح از مرگ بر خیزانده شد:</p> <p>مسیح ذات فانی ادم را نیز داشت اما گناه نکرد.</p> |
|---|---|

مسیح با پدر در مورد مزد گناه موافق بود به همین خاطر گناه نکرد. او می دانست که تنها راه غلبه بر مرگ غلبه بر گناه در خود است و همین طور آگاه بود که اگر بی گناه بماند پدر او را پس از مرگ بر خواهند خیزاند. پس از رستاخیزش، خدا به مسیح ذاتی جدید داد. ذاتی همانند خود که قادر به گناه نیست و هرگز نمی میرد. رومیان باب ۶ آیه ۹ می گوید: "زیرا میدانیم که چون مسیح از مردگان برخاست دیگر نمی میرد و بعد از این موت بر او تسلطی ندارد"

ما چطور؟

مسیح در زمان عید پسح مرد. در پسح اولیه هر خانواده اسرائیلی بره ای را کشته و خون آن را بر سردر خانه های خود می زدند تا از مرگ نجات یابند. (خروج ۱۲) این نکته در مورد مرگ مسیح نیز صدق می کند. (اول قرنتیان، باب ۵، آیه ۷) او یک قربانی قابل قبول بود او همانند بره ای بی عیب و بی نقص بود (اول پطرس، باب ۱، آیه ۱۹) خدا قربانی قابل قبول خود را داد برای کسانی که اعتقاد داشتند مسیح "بره خداست که گناه جهان را بر می دارد" (یوحنا، باب ۱، آیه ۲۹). بسیار قبل از میلاد میلاد مسیح اشعیا نبی گفت: "و حال آنکه به سبب تقصیرهای ما مجروح و به سبب گناهان ما کوفته گردید و تادیب سلامتی ما بر وی آمد و از زخم های او ما شفا یافتیم. جمیع ما مثل گوسفندان گمراه شده بودیم و هریکی از ما به راه خود برگشته بود و خداوند گناه جمیع ما را بر وی نهاد" (اشعیا، باب ۵۳، آیات ۵ و ۶)

رومیان، باب ۵، آیه ۶ تا ۸ در مورد عشق خدا برای فداکردن فرزندش برای گناهکاران می گوید: "زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم، در زمان معین مسیح برای بیدینان وفات یافت. زیرا بعید است که برای شخص عادل کسی بمیرد، هر چند در راه مرد نیکو ممکن است کسی جرات کند که بمیرد. لیکن خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از اینکه هنگامی که ما هنوز گناه کار بودیم مسیح در راه ما مرد"

یوحنا، باب ۱۵، آیه ۱۳ عشق مسیح به کسانی که زندگیشان را نجات داد را نشان می دهد:

"کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را به جهت دوستان خود بدهد"

خدا و پسرش هر کاری می توانستند در حق ما انجام دادند. خدا یگانه فرزندش را برای ما قربانی کرد. مسیح از زندگی اش بخاطر ما گذشت. ما باید درک کنیم که گناه کاریم و محتاج نجات هستیم. فقط زمانی ارزش فداکاری مسیح و کار بزرگ خدا را درک میکنیم که متوجه شویم چقدر گناهکاریم.



مصلوب شدن مردم را به خدا نزدیک کرد

گناه بشر را از خدا جدا می کند. گناهان ما تنها از طریق فداکاری مسیح بخشیده می شوند. بنا بر این مانع میان ما و خدا از بین رفته است و ما می توانیم به او نزدیک شویم. در کتاب مقدس این عمل به عنوان مصالحه نام برده شده است. و از این طریق می توانیم توسط عیسی مسیح که میانجی ما در آسمان است با خدا رابطه ای خاص برقرار کنیم. در دوم قرتیان، باب ۵، آیه ۱۹ پولس رسول کاملاً نشان می دهد که خدا توسط فرزندش در حال برقراری مصالحه میان خود و گناه کاران است. این پیغام مصالحه توسط رسولان تعلیم داده می شد: "یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد"

صلیب خود را برمی داریم

مصلوب شدن در قلب انجیل است و منبع اصلی رستگاریست که توسط عشق خدا فراهم شده و توسط عشق فرزندش امکان پذیر شده است. بخشش هدیه ای است از جانب خدا به کسانی که از گناهان خود توبه کرده و با ایمان تعمید به سمت خدا می آیند:

"توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت" (اعمال، باب ۲، آیه ۳۸)

اما چیزی فراتر از تعمید نیاز است. مسیح گفت: "هر که خواهد از عقب من آید خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید."

جمله "صلیب خود را برداشته" به معنی این است که باید هر روز خود را قربانی کنید. اگر قصد پیروی از مسیح را داریم باید نه خود بلکه او را خشنود سازیم. باید برای متوقف کردن گناه تمام تلاشمان را انجام دهیم و همراه مسیح در زندگی تازه قدم برداریم. پولس رسول می گوید: "و آنانی که از آن مسیح می باشند جسم را با هوس ها و شهواتش مصلوب ساخته اند" (غلاطیان، باب ۵، آیه ۲۴) جسم را مصلوب کردن به معنای از بین بردن تمام خواسته هایی است که باعث گناه می شود. باید تلاش کنیم که گناه بر زندگیمان حکمرانی نکند.

پند هایی از مصلوب شدن

- ۱- مصلوب شدن مسیح یک اتفاق وحشتناک بود. عمل زشت انسان ها را در به صلیب کشیدن یگانه فرزند خدا را نمایان کرد. مصلوب شدن خیانت انسان ها و زشتی و گناه را نشان میدهد.
- ۲- همینطور عشق فراوان خدا به شاگردان واقعی مسیح را نشان می دهد. پولس رسول می گوید: "او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟" رومیان، باب ۸، آیه ۳۲
- ۳- هزینه زیادی پرداخت شد تا ایمانداران واقعی زندگی جاودان بیابند. به قیمت از بین رفتن یک زندگی کاملاً پاک بود. پطرس رسول در نامه ای به ایمانداران می گوید: "زیرا می دانید که خریده شده اید از سیرت باطلی که از پدران خود یافته اید نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا، بلکه به خون گران بها چون خون بره بی عیب و بی داغ یعنی خون مسیح" اول پطرس، باب ۱، آیات ۱۸ و ۱۹
- ۴- مسیح یک مثال خوب برای رفتار کردن به ما داد.
 - او هرگز در مقابل حرف های شریرانه مردم بجهت حق به جانب بودن خود اعتراض نکرد. اول پطرس، باب ۲، آیات ۲۱ تا ۲۳
 - کسانی که او را به صلیب کشاندند را بخشید. لوقا، باب ۲۳، آیه ۳۴
 - با وجود اینکه در زجر و درد بود اما باز به بقیه فکر می کرد. یوحنا، باب ۱۹، آیات ۲۶ و ۲۷ و لوقا، باب ۲۳، آیات ۲۷ تا ۳۱
 - او با اعتماد کامل در همه چیز پدر را مطابعت کرد.

خلاصه

- ۱- ما همه گناه کاریم و لایق مرگ
- ۲- خداوند در عشق خود یگانه فرزند خود را قربانی گناهان ما کرد.
- ۳- عیسی مسیح با از بین بردن زندگی خود در کار پدر سهیم شد.
- ۴- خدا مسیح را از مرگ برخیزانید چون بی گناه بود و لایق مرگ نبود. خدا به او زندگی جاودان داد.
- ۵- به واسطه فداکاری مسیح گناهان ما نیز می تواند بخشیده شود. پس می توانیم در امید به یافتن زندگی جاودان در پادشاهی خدا شریک باشیم.
- ۶- ما باید به گناهان خود بی برده توبه کنیم و تعمید بگیریم و با مسیح در راه زندگی تازه قدم برداریم.



آیاتی برای مطالعه

رومیان، باب ۵، آیه ۸

دوم قرنتیان، باب ۵، آیه ۱۵

دوم قرنتیان، باب ۵، آیه ۱۶

اول پطرس، باب ۱